

تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به خشونت کلامی در خیابان‌های شهری (مطالعه موردی: شهر اردبیل)

داریوش جهانی^۱؛ عظیم علی شائی^۲؛ فاطمه تیلکوی بگه جان^۳؛ محسن معینی نسب^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۳۰

چکیده

خشونت خیابانی یکی از انواع خشونت در جامعه است که بین افراد به وقوع می‌پیوندد و همه‌ساله، طبق آمار و اخبار، تعدادی قربانی می‌گیرد و پیامدهای آن تأثیر مخربی بر اوضاع فرهنگی-اجتماعی هر کشوری دارد. در این پژوهش سعی بر آن است تا عوامل مؤثر بر خشونت در فضای شهری اردبیل بررسی شود. این پژوهش، در زمره پژوهش‌های «توصیفی-تحلیلی» و پارادایم (قیاسی و روش کمی) است و با ماهیت کاربردی به تحلیل زمینه مؤثر بر گرایش به خشونت در فضای شهری در شهر اردبیل پرداخته است. در پژوهش حاضر از روش اسنادی و همچنین روش میدانی (پیمایش با جامعه آماری شهروندان ۱۵ تا ۶۴ سال شهر اردبیل) که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ (۵۲۹۳۷۴ نفر) بودند و ۳۷۶ نفر به نمونه به شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده از طریق فرمول کوکران در چهار منطقه شهرداری اردبیل انتخاب شدند، بهره گرفته شده است. همچنین جهت شناسایی عوامل کلیدی تحقیق از نرم‌افزار Mic Mac استفاده شده است. نتایج نشان داد که مؤلفه‌هایی از قبیل نهادینه شدن درگیری در جامعه، آستانه تحمل پایین شهروندان، بدحرف زدن با شخص مقابل و زیان و ضرر مالی، بیشترین تأثیرگذاری را بر خشونت کلامی در شهر اردبیل داشته‌اند. نهادینه شدن درگیری در جامعه، امری است که روز به روز بر فضای شریانی شهر، به

^۱. استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسؤل).
d.jahani60@pnu.ac.ir

^۲. استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
azim_a746@pnu.ac.ir

^۳. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
tilkoy.2015@gmail.com

^۴. کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری گرایش به‌سازی و نوسازی شهری، دانشگاه پیام نور مرکز اصفهان، اصفهان، ایران.
Moaininasab.70@gmail.com

شکل خشونت جلوه‌گری می‌کند. بنابراین، بر برنامه‌ریزان امر لازم است، در حوزه‌ی امر آموزش و مهارت برخورد و تعامل شهروندان، گام‌های علمی و عملی بردارند.

واژه‌های کلیدی: اردبیل؛ خشونت؛ فضای شهری؛ عوامل کلیدی.

بیان مسأله

ترس از خیابان‌های شهر مدت‌هاست که تصورات عمومی را درگیر کرده است. کتاب‌ها، فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی بی‌شماری، این ترس را با تصاویری گرافیکی از مناطق فرسوده شهری، جوانان خشن و افسران پلیس فاسد ترویج کرده‌اند و از آن بهره‌برداری کرده‌اند. بازی‌های ویدئویی متعددی حول همین ترس می‌چرخند و تمام ژانرهای موسیقی به تصویر کشیدن بی‌رحمی روزمره زندگی در خیابان اختصاص داده شده‌اند. تصور کلی که ظاهر می‌شود این است که خیابان با خشونت هم‌خوانی دارد (توتنگز و سندبرگ^۵، ۲۰۲۴: ۴).

خشونت هرچند که پدیده‌ای اجتماعی است، اما در بروز آن علل و عوامل زیادی از جمله عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و.. نقش دارند. ناکامی و محرومیت‌ها و سرخوردگی‌های اجتماعی و اقتصادی، شرایط نامناسب زندگی همچون فقر، نابسمانی محیط خانواده و ... زمینه را برای شکل‌گیری احساسات و رفتارهای خشونت‌آمیز در افراد جامعه فراهم می‌سازد، به طوری که کوچکترین تحریکی همچون جرقه‌ای برای وقوع یک انفجار، عمل کرده است و به این گونه رفتارها و حرکات خشونت‌آمیز در افراد شکل می‌گیرد (محمدی و کشوکی، ۱۳۹۳: ۱۳۲). نتایج پژوهش نشان می‌دهد که خشونت باید به عنوان طیفی از پدیده‌ها درک شود که ممکن است به انواع مختلف طبقه‌بندی شوند و در درجات مختلف وجود داشته باشند (نقل قول از راجرز^۶، ۲۰۱۶: ۸۵)، خشونت مبتنی بر احترام، خشونت تجاری، خشونت در حالت مستی و خشونت خانوادگی. ما استدلال می‌کنیم که از منظر امیک، این انواع، اساساً با یکدیگر متفاوت هستند و ارزیابی‌های اخلاقی متفاوتی را برمی‌انگیزند. خشونتی که با احترام، تجارت یا مشروب-خواری مرتبط است، معمولاً قابل تحمل است، گاهی اوقات حتی تجلیل می‌شود، در حالی که خشونت خانوادگی محکوم می‌شود.. در این میان، خشونت کلامی وسیله‌ای برای حفظ قدرت و کنترل بر دیگری در رابطه است (توتنگز و سندبرگ^۷، ۲۰۲۴: ۴). گسترش دامنه خشونت کلامی به

5 . Tutenges & Sandberg

6 . Rodgers Citatio

7 . Tutenges & Sandberg

ویژه سال‌های اخیر در جامعه ایران نیز یکی از جدی‌ترین آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌رود. به عبارتی خشونت در جامعه ایرانی گسترش یافته است و به امری پذیرفته شده، هنجار و مشروع تبدیل شده است. این در حالی است که نزاع و درگیری‌هایی که از یک برخورد و گلاویز شدن ساده شروع می‌شود، گاهی به مجروح و کشته شدن طرفین ختم می‌شود. امروزه پرخاشگری کلامی یکی از معضلات جدی فرهنگی ما در تمامی سطوح جامعه است (کریمی، ۱۳۹۰: ۸۸).

آمار و ارقام ارائه شده نشان می‌دهد از میان انواع جرایم، خشونت (به خصوص، خشونت کلامی) بعد از سرقت، یکی از جرایمی است که پرونده‌های زیادی را در کشور به خود اختصاص داده است (کیائی فرد، ۱۳۹۶: ۲). خشونت ابتدا در ذهن، شکل می‌گیرد و بر اساسی گفتمان فرهنگی جامعه بنیان نهاده می‌شود. در واقع، روش‌های خشونت‌ورزی را باید در ساختار فیزیکی - فرهنگی جامعه جستجو کرد. امروزه اگر چه به دلایل فرهنگی، خشونت فیزیکی کمتر از گذشته به چشم می‌خورد، اما خشونت‌های روانی-کلامی، همواره در ساختار فرهنگی جامعه پنهان مانده است و قربانیان زیادی می‌گیرد (غلامشاهی زارچوئی، ۱۳۹۸: ۳). نظر به اینکه خشونت کلامی به هر رفتاری دلالت دارد که بتواند موجب وهن حیثیت کسی در نظر افراد جامعه شود، از این رو این عمل، نه تنها از نظر حقوقی، بلکه از نظر اخلاقی و مذهبی نیز مذموم و ناپسند شمرده می‌شود و تعرضی به شخصیت معنوی انسان است و اگر به طور شایع از افراد جامعه سر بزند، به احتمال زیاد زمینه را برای بروز خشونت‌های فیزیکی فراهم می‌کند (کریمی، ۱۳۹۰: ۸۶).

افزایش خشم در کشور ما ریشه در بسیاری از مسائل اجتماعی و تربیتی دارد که منجر به کم‌تحملی و در هم ریختگی وضعیت روانی مردم ایران شده است. بررسی آمار نشان می‌دهد که روزانه بیش از یک هزار و ۶۷۰ فقره نزاع منجر به جراحت در کشور رخ می‌دهد که این آمار دلائل اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی دارد. برخی گرمای هوا، پرسه زدن‌های بی مورد، بی-سوادی، فشار اقتصادی و ... را علت وقوع نزاع و درگیری می‌دانند که فشارهای اقتصادی و اجتماعی تأثیر زیادی در بروز این حوادث دارند. مباحثی مانند نزاع و خشونت، زمانی ضرورت بیشتری می‌یابد که حجم آن از سقف تحمل جامعه فراتر رود و نگرانی‌هایی ایجاد کند. در زمان حاضر که انواع نزاع از حد معمول و آشنای جامعه بیشتر شده است و نرخ فزاینده‌ای هم یافته است، همه جا و همه کس می‌پرسند که چرا موارد وقوع نزاع تا این حد در میان مردم زیاد است و چنین پدیده‌ای در چه شرایط و تحت تأثیر چه عواملی رخ می‌دهد و شیوع می‌یابد. باید توجه داشت که بنا به دلائل فرهنگی و اجتماعی خاص، شمار زیادی از نزاع‌ها و آمار ضرب و جرح‌ها از سوی افراد و خانواده‌ها در ایران، به مراکز پلیس گزارش نمی‌شود و این میزان شاید چند برابر

مقدار گزارش شده باشد. با توجه به مسائل فوق و اینکه هر نزاع، گستره وسیعی از افراد را در بر می‌گیرد و مشکلاتی که نزاع برای توسعه اجتماعی انسانی جامعه مورد مطالعه به وجود می‌آورد و نیز اینکه نزاع زمینه‌ساز آسیب اجتماعی دیگری چون فروپاشی خانواده‌ها، خشونت علیه زنان به دلیل وابستگی قومی یا طایفه‌ای، ازدواج‌های اجباری و تقویت روحیه پرخاشگری و ستیزه‌جویی و انواع مزاحمت‌های ملی، خانوادگی و ناموسی و تبدیل همبستگی اجتماعی به گسست اجتماعی و مهاجرت‌های اجباری می‌گردد، انجام تحقیق حاضر از اهمیتی اساسی برخوردار است و به فهم دقیق‌تر مسأله کمک می‌کند.

عواملی همچون افول اخلاقی در فرهنگ عامه، رشد خرده‌فرهنگ‌های انحرافی، گسترش آنومی، نبود الگوهای اخلاقی و ضعف مدیریت فرهنگی را در شکل‌گیری نزاع‌ها مورد بررسی قرار داده است. جامعه‌ای که به سرعت در حال مدرن شدن است، نظام ارزش‌های سنتی به همان سرعت دچار سرعت و یا مرگ می‌شوند و چون هنوز نهادهای مدرن و اخلاق مدنی در آنجا رشد چشم‌گیری نداشته است، فضای بی‌هنجاری و بی‌قاعدگی غلبه می‌یابد؛ بنابراین نوشتار حاضر می‌کوشد زمینه‌های مؤثر بر خشونت کلامی را در شهر اردبیل مورد بررسی قرار دهد؛ زیرا طبق گزارش اداره کل دادگستری کل استان اردبیل ۲۳ هزار خشونت، در دادگستری اردبیل به ثبت رسید و به رغم کاهش میزان خشونت، باز هم اردبیل در کشور، رتبه دوم در زمینه پرونده‌های مربوط به خشونت را به خود اختصاص داد، بر اساس این گزارش، خشونت خیابانی بیشترین فراوان جرم در اردبیل را دارد.

بنابراین، ضرورت پژوهش بر این امر استوار بوده است که بخش زیادی از کنشگران جامعه با مشاهده و درک آن، احساس ناامنی و ترس می‌کنند و دیگر در عرصه‌های عمومی ظاهر نمی‌شوند. احساس اعتماد به اماکن عمومی، سبب می‌شود فرد با دوستان و خانواده خود برای تفریح و گذران اوقات فراغت در محل‌های عمومی، حضور یابند و ضریب نشاط اجتماعی ارتقا پیدا کند، اما برخورد با یک صحنه خشونت‌آمیز، افکار عمومی را نسبت به تعاملات فضای عمومی شهر و نهادهای امنیتی بدبین کرده است. اعتماد به عنوان مؤلفه مهم سرمایه اجتماعی خدشه‌دار می‌شود. وقتی خشونت در شهر اتفاق می‌افتد، تحرک فیزیکی در محل محدود می‌شود، فرصت‌های اشتغال آموزشی کاهش می‌یابد و افراد محل، کمتر، احتمال دارد که خانه‌های جدیدی بسازند یا املاک موجود را تغییر دهند یا بهبود بخشند. بنابراین شکاف ذهنی بر این امر استوار بوده است که مهم‌ترین عوامل اجتماعی ارتکاب خشونت کلامی در سطح خیابان‌های شهری اردبیل کدام است و راه‌های پیشگیری این خشونت چیست؟ بر این مبنای فرض تحقیق بر این امر استوار است

که به نظر می‌رسد عوامل مختلفی از جمله آستانه تحمل پایین، تفاوت‌های فرهنگی و... موجب ارتکاب خشونت کلامی در شهر اردبیل می‌شوند و همچنین توجه به پیشگیری فرد مدار، می‌تواند کمک شایانی به پیشگیری از این جرائم نماید.

پیشینه تحقیق

نوربالا (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «خشونت کلامی»، حول دو آفت بزرگ فرهنگی ملی که موجب بسیاری از اختلالات روانی و تنی است یاد می‌کند که یکی خودشیفتگی فرهنگی و دیگری خشونت کلامی (بیانی) است.

حمادی (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان «بررسی علل خشونت کلامی مراجعه‌کنندگان نسبت به کادر درمانی بیمارستان‌های دولتی شهرستان‌های دولتی شهرستان‌های تهران»، جامعه آماری شامل کلیه کادر درمان بیمارستان‌های دولتی شهرستان‌های تهران شامل دو بیمارستان شهدا و امام خمینی (ره) می‌باشد. نمونه آماری از بین کادر درمان تعداد ۶۰ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و از پرسشنامه‌های خشونت محل کار در بخش سلامت و پرسشنامه خشونت کلامی (به صورت محقق ساخته) استفاده شد و این پرسشنامه‌ها به همراه رضایت‌نامه در بین کادر بیمارستان توزیع شد. در این تحقیق، جهت تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها از آزمون توزیع نرمال کلموگروف-اسمیرونف^۸ استفاده شد. همچنین برای بررسی ارتباط متغیرها با خشونت کلامی، از آزمون کای دو^۹ و آزمون رگرسیون استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که افزایش خشونت روانی و خشونت جنسی، باعث افزایش میزان خشونت کلامی مراجعه‌کنندگان نسبت به کادر درمانی بیمارستان‌های دولتی شهرستان‌های تهران می‌شود و همچنین خشونت جنسی، بیشتر از خشونت روانی، میزان خشونت کلامی مراجعه‌کنندگان نسبت به کادر درمانی بیمارستان‌های دولتی شهرستان‌های تهران را پیش‌بینی می‌کند. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت که خشونت روانی و جنسی از علل خشونت کلامی نسبت به کادر درمان می‌باشد.

ویسی و عبدی (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «مطالعه و واکاوی عوامل مؤثر بر نزاع و درگیری پس از تصادفات رانندگی در شهر کرمانشاه»، بیان می‌دارد نزاع و درگیری پس از تصادفات رانندگی به عنوان یک رفتار نامناسب اجتماعی معلول عوامل مختلفی است؛ بنابراین طراحی و اجرای برنامه ریزی آموزشی دقیق در زمینه نزاع و پیامدهای آن و همچنین توجه به بُعد

^۸. Kalmogrov-Smironov

^۹. K2

رفتاری در آموزشگاه‌های رانندگی، بازیابی قوانین بیمه در تعیین خسارات مالی، حضور به موقع پلیس در صحنه تصادف، بازیابی قوانین مجازات درگیری و اعمال محدودیت‌های رانندگی می‌تواند گامی مهم و مؤثر در زمینه کاهش این بیماری اجتماعی باشد.

محسنی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت خیابانی (مطالعه موردی: شهر ارومیه)»، نشان داد بین گرایش شهروندان به خشونت خیابانی با متغیرهای کم رنگ شدن اعتقادات مذهبی، افول اخلاق در فرهنگ عامه، عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولین، عدم رعایت هنجارهای ترافیکی، عدم اجرای درست قوانین از سوی متولیان امر، جلب کردن توجه دیگران، بزه دیده‌گی، افت سرمایه اجتماعی و قوم-گرایی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از رگرسیون گام به گام نشان داد که بزه دیده‌گی، افول اخلاق در فرهنگ عامه و جلب کردن توجه دیگران، بیشترین تاثیر را در تبیین گرایش شهروندان به خشونت خیابانی دارد که به صورت واقعی و تعدیل یافته، ۶/۱۸ درصد از واریانس خشونت خیابانی توسط متغیرهای مستقل تبیین و پیش بینی می‌شود.

گنجی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «نقش عوامل اجتماعی فرهنگی در گرایش شهروندان بروجردی به خشونت خیابانی»، نشان داد که بین فرصت‌های اجتماعی و سیاسی، فرصت‌های فرهنگی و متغیر سن، با گرایش به خشونت خیابانی، رابطه معکوس وجود دارد. از طرفی بین انتظارات اجتماعی، تقدیرگرایی، احساس نابرابری، نیازهای اجتماعی، سیاسی، شناختی و مادی، جنس و اصالت با گرایش به خشونت خیابانی، رابطه مستقیم وجود دارد. همچنین نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان‌دهنده تأثیرگذاری متغیرهای تقدیرگرایی، جنس، تأهل، درآمد و انتظارات اجتماعی به شکل مستقیم و نیز فرصت‌های اجتماعی به شکل غیرمستقیم است.

رضاپور (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی زمینه‌های اجتماعی مؤثر بر گرایش به خشونت کلامی در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر بوشهر»، نشان می‌دهد که بین متغیر وابسته یعنی میزان گرایش دانش‌آموزان به خشونت کلامی و متغیرهای مستقل جامعه‌پذیری، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و نظارت والدین، همبستگی وجود دارد. این متغیرها، تأثیرگذارترین عوامل مؤثر بر گرایش به خشونت کلامی در این حوزه پژوهشی می‌باشند.

سیدنواز و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تحلیل پدیدارشناسانه خشونت شهری در شهر اردبیل»، نتیجه می‌گیرد که پدیده خشونت شهری با چهار مقوله اصلی از دیدگاه مشارکت‌کنندگان تعریف می‌شود که عبارتند از ۱- خشونت فیزیکی ۲- خشونت مالی ۳- خشونت کلامی ۴-

خشونت روانی. همچنین، عوامل شرایط و علل سوق دهنده به پدیده خشونت شهری بر اساس تجربه مشارکت‌کنندگان عبارتند از: ۱- عوامل مداخله‌ای (فردگرایی خودخواهانه- عامل روانی)، ۲- شرایط زمینه‌ای (شرایط فضای شهری- شرایط خانوادگی ۳- علل پیدایش (کنترل اجتماعی، علل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی).

الفورسون و هگلوند^{۱۰} (۲۰۲۳)، پژوهشی با عنوان «رشد شهری، تاب‌آوری و خشونت»، انجام داده‌اند. یافته‌های تحقیقاتی آن‌ها در مورد رابطه کلی بین رشد شهری و خشونت‌پذیری شهرها و همچنین بیش‌هایی در مورد عواملی که زیربنای خشونت-تاب‌آوری را در سه حوزه مختلف تشکیل می‌دهند: (۱) حکمرانی و برنامه‌ریزی شهری (۲) نهادهای امنیتی و (۳) اعمال روزمره ساکنان شهرها. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد، که برای درک تاب‌آوری شهرها در برابر خشونت، باید هم مکانیسم‌هایی را که رشد شهری را به خشونت پیوند می‌دهند و هم مکانیسم‌های حل تعارض و کاهش احتمالی موجود در شهرها را در نظر بگیریم.

عبدل رحمان^{۱۱} و همکاران (۲۰۲۳) پژوهشی با عنوان «کاهش قابل توجه میزان خشونت بین فردی در جمعیت شهری دانمارک (۲۰۰۳-۲۰۲۱)»، انجام دادند. پژوهش حاضر، کاهش معنی-داری را در میزان بروز خشونت بر اساس داده‌های بیمارستانی و پزشکی قانونی نشان داد. این کاهش تنها شامل قربانیانی بود که جراحات کمتری داشتند. نتایج این پژوهش نشان داد که باید مطالعاتی را با ترکیب داده‌های بیمارستانی، پزشکی قانونی و همراهی پلیس، بیشتری صورت بگیرد.

سیمونز^{۱۲} و همکاران (۲۰۲۲) در مطالعه خود با عنوان «خشونت شهری و جوانان»، بیان می‌دارد که جوانانی که در مناطق شهری زندگی می‌کنند، ممکن است به طور نامتناسبی تحت تأثیر خشونت قرار گیرند، چه به عنوان مجرم، چه قربانی یا شاهد. این احتمال که یک جوان ممکن است تحت تأثیر خشونت قرار گیرد، به عوامل مختلفی بستگی دارد. نتایج این پژوهش نشان داد که درک خطر خاص و عوامل محافظتی و همچنین ریسک تجمعی، برای هدایت ایجاد برنامه‌ها یا سیاست‌هایی با هدف کاهش مشارکت جوانان و قرار گرفتن در معرض خشونت، مهم است.

با عنایت به مرور بر نتایج می‌توان اظهار نمود آنچه در سابقه پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه خشونت کلامی در خیابان‌های شهری شهر اردبیل نمایان است، تاکنون اقدام در خور توجهی در خصوص شاخص‌سازی این مفهوم صورت نگرفته است و غیر از پژوهش سیدنواز و

5. Elfversson & Hoglund
11. Abdel Rahman
12. Simmons

همکاران (۱۴۰۰) که با انتقادات قابل تأملی در حوزه نگرش‌ها و شاخص‌ها مواجه شده است، مابقی پژوهش‌ها در حد تبیین ساختار نظری و تشریح حوزه‌ها باقی مانده‌اند. از این‌رو جای خالی تحقیقی که بتواند با ارائه یک تحلیل متکی به روش‌های علمی که دید جامعی از موضوع فوق ارائه دهد، خالی است. پژوهش حاضر موضوع خشونت کلامی را مورد توجه قرار داده است. از این منظر می‌توان گفت که پژوهش حاضر اگرچه به لحاظ موضوعی (خشونت) در موارد مختلف و از جنبه‌های مختلف به آن مورد بررسی قرار گرفته است، اما به لحاظ محتوایی و روش‌های به کار گرفته شده، دارای نوآوری بوده است و فرازهای متعددی آن را از تحقیقات پیشین متمایز می‌سازند. بنابراین، اهمیت بررسی این موضوع را می‌توان در دو محور عمده خلاصه نمود: ارزش نظری و ارزش عملی. ویژگی نظری این مطالعه کمک به پیشرفت تخصصی و افزودن بر ادبیات علمی موضوع و برنامه‌ریزی خشونت کلامی می‌باشد، زیرا تاکنون در این زمینه، بررسی‌های بنیادین صورت پذیرفته است و به تبع آن در کشور ما نیز این موضوع تاکنون چندان مورد بررسی و توجه پژوهشگران و برنامه‌ریزان قرار نداشته است. ارزش عملی پژوهش نیز به نوبه خود در تغییر، بهبود و اصلاح روش‌ها و الگوهای مواجهه با برنامه‌ریزی خشونت کلامی خواهد بود.

چارچوب نظری

نظریه بی‌سامانی اجتماعی، برای نخستین بار در مطالعات جرم و بزهکاری شهری توسط جامعه‌شناسان در دانشگاه شیکاگو و موسسه پژوهش‌های نوجوانان شیکاگو در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ توسعه داده شد (اکرس^{۱۳}، ۲۰۱۳، به نقل از جوانمرد، ۱۳۹۰: ۱۰۶). از این زمان تا کنون، این نظریه برای جرایم و کژروی‌های شهری مورد استفاده قرار گرفته است. مطالعات شیکاگو، محل سکونت افرادی را که از مناطق مختلف شهر به دادگاه‌های نوجوانان ارجاع شده بودند، مورد بررسی قرار داد. این مطالعات نشان داد که توزیع بزهکاران در مناطق مختلف شهر از یک الگوی سیستماتیک پیروی می‌کند. نرخ بزهکاری در محله‌های طبقه پایین و در مرکز شهر، در بالاترین حد بود ولی به طرف مناطق مرفه‌تر کاهش می‌یابد. در طول دهه‌ها، محله‌های داخلی شهر، نرخ‌های بالای بزهکاری داشتند، هر چند، ترکیب نژادی و قومی جمعیت در این مناطق تغییرات قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده بود (هافمن^{۱۴}، ۲۰۰۰ به نقل از همان).

بی‌سامانی اجتماعی از طریق کارهای رابرت برسیک و رابرت سمپسون^{۱۵} مورد توجه قرار گرفت (سمسون برسیک^{۱۶}، ۱۹۹۵ به نقل از جوانمرد، ۱۳۹۰: ۱۰۸). شاو و مک‌کی^{۱۷} معتقدند که

¹³. Akers

¹⁴. Hoffman

¹⁵. Robert Bursick and Robert Sampson

¹⁶. SAMPSON, Bursick

بی‌سامانی اجتماعی، کنترل‌های اجتماعی غیررسمی در درون جامعه و محله را کاهش داده است و یا آن را مختل می‌کند و سبب نرخ بالای جنایت می‌شود، بنابراین فقدان یا اختلال کنترل اجتماعی یک جزء کلیدی در مفهوم بی‌سامانی اجتماعی است که برسیک^{۱۸} آن را با نظریه مدرن کنترل جرم پیوند می‌دهد.

سمپسون و گرووز، همین مشکل را که توسط برسیک شناسایی شده است، تأیید کرده‌اند. نظریه بی‌سامانی اجتماعی عواملی از قبیل طبقه اجتماعی، ترکیب نژادی جمعیت، علایم مستقیم جرم و بزهکاری را متغیرهایی می‌داند که برای اندازه‌گیری این نظریه مورد استفاده قرار گرفته‌اند. سیلور و میلر^{۱۹} نکات بیان شده توسط سمپسون و گرووز و برسیک را درباره نیاز به اندازه-گیری مستقیم بی‌سامانی اجتماعی برای آزمایش درست نظریه تأیید می‌کند (سیلور و میلر^{۲۰}، ۲۰۰۴، به نقل از جوانمرد، ۱۳۹۰: ۱۰۸). در مطالعه‌ای در شیکاگو، او مشاهده کرد که این معیارهای سطح محله، بر خشونت در میان بیماران قلبی مرخص شده از بیمارستان روان پزشکی تأثیر دارند، ولی تأثیر آنها به اندازه متغیرهای سطح فردی مانند تکانشی (بی‌اراده) بودن و سابقه قلبی خشونت نیست به همین ترتیب وکستروم و لوبر^{۲۱} (۲۰۰۰) مشاهده کردند درگیری بزهکارانه که در سالهای اخیر نوجوانی شروع شده است با محرومیت و ناپایداری محله ارتباط دارد. نوجوانانی که به خاطر ضعف نظارت والدین معاشرت‌های افتراقی با همتایان، نگرش‌های بزهکارانه و تکانشی بودن در معرض خطر بالا بودند صرف نظر از محیط محله احتمال بالاتری برای بزهکاری داشتند (لوبر و ویکستروم^{۲۲}، ۱۹۹۳، به نقل از جوانمرد، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

جانگ و استینبرگ^{۲۳} (۲۰۰۱) تلاش کردند بی‌سامانی اجتماعی را به طور مستقیم بر اساس درک بی‌نظمی محله اندازه‌گیری کنند و رابطه آن را با مصرف مواد مخدر توسط نوجوانان آزمایش نمایند. تحقیق آنها رابطه معنی‌داری را مشاهده کرد و همچنین نشان داد که مذهبی بودن فرد به عنوان یک عامل حفاظتی برای نوجوانان در محله‌های بی‌نظم عمل می‌کند، اما مصرف مواد، بیشتر تحت تأثیر متغیرهای پیوند اجتماعی و قوی‌تر از همه تحت تأثیر متغیرهای یادگیری اجتماعی بود. داشتن همتایانی که از مواد استفاده می‌کنند و دارا بودن نگرش‌های مثبت نسبت به مصرف مواد، اکثر اثرات محله را میانجی‌گری می‌کند (جانگ و استینبرگ^{۲۴}، ۲۰۰۴).

17 .Shaw and McKay

18 . Bersik

19 .Silver & Miller

20 .Silver & Miller

21 . Wikstrom and Loeber

22 . Wikstrom and Loeber

23 .Jang and Steinberg

24 - Chung & Steinberg

این یافته‌ها منعکس‌کننده تحقیقات قبلی به وسیله گاتفردسون و دیگران (۱۹۹۱) است و از پیشنهاد نظری برسبیک بر این که بی‌سامانی اجتماعی بر جنایت و کژروی تأثیر دارد چرا که بر کنترل غیررسمی اجتماعی در جامعه تأثیر می‌گذارد.

توسعه نظری مفهوم «بی‌سامانی اجتماعی» توسط دورکیم (۱۸۷۸)، پارک و برگس^{۲۵} (۱۹۲۷)، پارسونز^{۲۶} (۱۹۴۲) و مرتن^{۲۷} (۱۹۵۷)، به مطالعات محیط اروپایی و آمریکایی در تبیین جرم و بزهکاری کمک کرد. مطالعات این صاحب‌نظران، همبستگی معناداری را میان رفتار انحرافی و عواملی مانند سن، جنس، تراکم و رشد جمعیت، شهرنشینی و مذهب نشان داد. به اعتقاد این محققان، عوامل اجتماعی، افراد را کنترل می‌کنند؛ ولی هنگامی که این عوامل، بی‌ثبات شوند، افراد توان کمتری برای کنترل رفتار خود دارند و فقدان ثبات در ساختار اجتماعی، رفتار انحرافی را به همراه خواهد داشت (احمدی، ۱۳۹۱). مرتن در این باره می‌نویسد: رفتاری که از نظر اجتماعی منحرف است، همان قدر محصول ساختار اجتماعی است که رفتار هم سو و هم خوان با هنجارهای اجتماعی (دوچ و کراوس^{۲۸}، ۱۳۹۵). نظریه‌های بی‌سامانی اجتماعی، جامعه را یک نظام پیچیده و پویا می‌داند که بخش‌های مختلف آن از طریق قواعد و مقررات اجتماعی با یکدیگر هماهنگ و منظم می‌شوند و هنگامی که مسئله‌ای یک بخش از نظام را تغییر می‌دهد، سایر بخش‌های آن نیز باید خود را با آن بخش هماهنگ و سازگار کنند (ارشد و درویشی فرد، ۱۳۹۳: ۱۰۹).

از نگاه این نظریه، مسائل اجتماعی محصول در هم ریختگی سازمان اجتماعی و فرهنگی است. چنان که طلاق، جنایت، جنگ، خودکشی، اعتیاد، خشونت، الکلیسم و سایر مسائل اجتماعی از این نگاه، برآیند گسیختگی مناسبات هنجارین مردمی است که جامعه، ثبات و استمرار خود را مدیون آنهاست. به سخن دیگر، اشکال گوناگون نابهنجاری، نتیجه دگرگونی و گسیختگی قوانین نظام بخش و سازمان دهنده‌ای است که قبلاً وجود داشته‌اند؛ ولی به واسطه تغییرات نابهنجار اجتماعی، واژگون شدند و سپس به وجود آورنده انحراف شده‌اند (محمدی اصل، ۱۳۸۵). نظریه بی‌سامانی اجتماعی، کاهش کارایی نهادهای اجتماعی به عنوان نیروهای غیر رسمی کنترل اجتماعی، هم‌چنین کاهش انسجام سنتی اجتماعی که پی‌آمد رشد سریع صنعتی شدن، شهرنشینی و مهاجرت فزاینده به سوی حوزه‌های شهری است را باعث افزایش جرایمی مانند قتل، سرقت، انحرافات جنسی و اعتیاد می‌داند (احمدی، ۱۳۹۱: ۸). همچنین این نظریه قریب به اتفاق مسائل

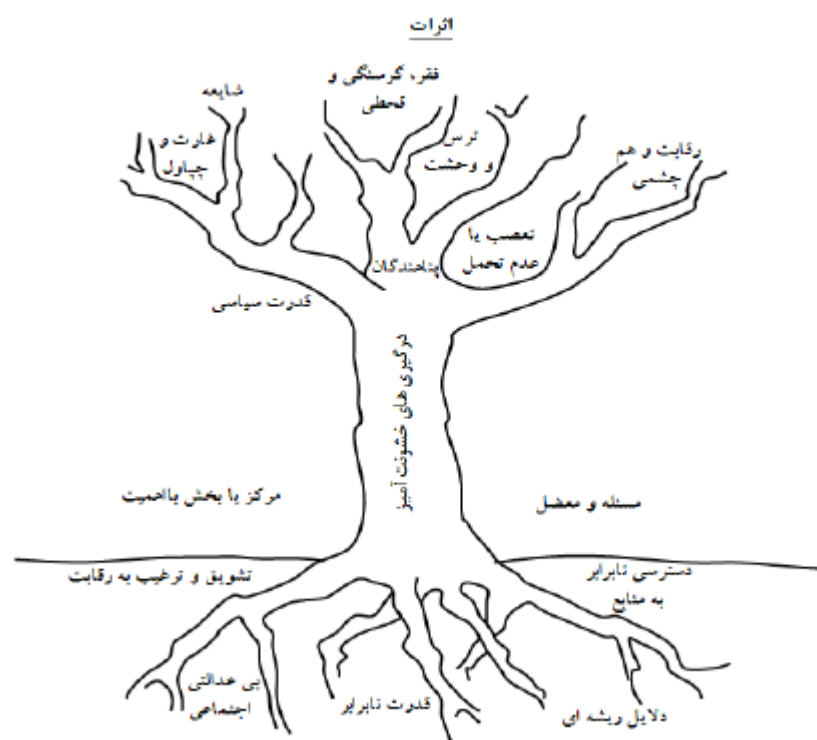
25 . park and Berges

26 .Parsunz

27 .Merton

28. Dooch and Keraws

اجتماعی را محصول انهدام سنن، تعارض قواعد اجتماعی، فقدان قواعد متنوع رفتاری در سطح جامعه (محمدی اصل، ۱۳۸۵: ۵۶)، تضاد فرهنگی، بی‌هنجاری، ضعف قوانین و ناهماهنگی نهادها و مناسبات اجتماعی که در نتیجه تغییرات سریع اجتماعی و برهم زنده تعادل آن به وجود آمده است و باعث احساس ناکامی در افراد و انهدام کنترل اجتماعی می‌شود، می‌داند. پیروان نظریه بی‌سامانی اجتماعی، راه حل مسائل اجتماعی را در ایجاد قوانین کارآمد یا کاهش سرعت تغییرات اجتماعی در راستای احیای هماهنگی پیشین نظام اجتماعی خلاصه می‌کنند. به اعتقاد آنان، راه حل بزهکاری عبارت است از ایجاد و تقویت قواعد اجتماعی مناسب، صریح، قابل اجرا و سازگار برای کنترل وضعیت‌ها از طریق هماهنگ‌سازی رفتار مردم و نظام که در پرتو ارزیابی و تعدیل دائمی قواعد مزبور همواره در راه رفع نیازهای انسانی جامعه گام نمی‌نهد و رفع‌کننده نیاز بزهکاری می‌شود (همان: ۳۱۹ و ۲۱۶). مهم‌ترین ایرادات وارد شده به این نظریه‌ها آن است که بیشتر به توسعه تبیین‌های نظری انحراف پرداخته‌اند تا به اصلاح اجتماعی و اغلب به فقدان روحیه جمعی در مسائل حوزه‌های حاشیه شهری اشاره دارند.

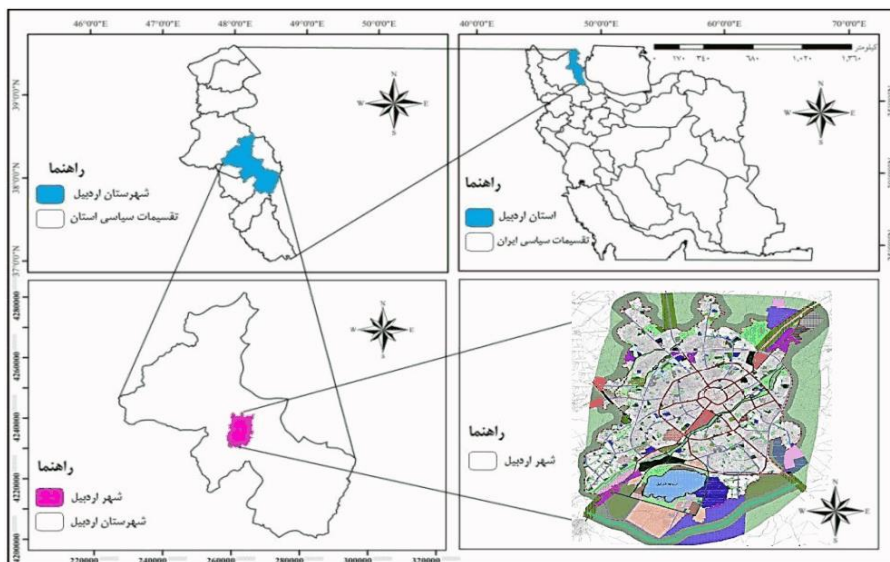


نمودار شماره یک- علل ریشه‌ای در مقابل هر گونه مظاهر درگیری

(محمدی و کشکولی، ۱۳۹۳: ۱۳۰)

محدوده‌ی مورد مطالعه

شهر اردبیل، به عنوان مرکز استان اردبیل در شمال غرب کشور واقع است. جمعیت شهر در سال ۱۳۹۵، ۵۲۹۳۷۴ نفر است و دارای ۱۲ ناحیه است (مرکز آمار ایران ۲۹، ۲۰۱۶). اقلیم شهر، سرد و کوهستانی است و موقعیت کوهپایه‌ای دارد (مرکز آمار ایران) (نمودار ۱).



نقشه شماره یک- نقشه موقعیت استان و شهر اردبیل

(مأخذ: نگارنده، ۱۴۰۱)

روش تحقیق

این مطالعه از نظر روش انجام پژوهش، در زمره پژوهش‌های «توصیفی-تحلیلی» و پارادایم (قیاسی و روش کمی) است. یعنی علاوه بر بررسی ویژگی‌ها و وضعیت موجود مسأله پژوهش، به تشریح و تبیین دلایل چگونگی و چرایی وضعیت مسأله و ابعاد آن هم می‌پردازد. روش پژوهش با توجه به ماهیت و چارچوب پژوهش، به منظور پاسخ‌دهی به سؤالات و همچنین نیل به اهداف آن، روش تحقیق کمی است. در پژوهش حاضر از روش کتابخانه‌ای مبتنی بر (استفاده از کتاب‌ها، مقاله‌ها، نشریه‌ها، گزارش‌ها، روزنامه‌ها و سایت‌های اینترنتی؛ استفاده از گزارش‌های پژوهشی، اسناد، عکس‌ها، نتایج طرح‌ها) و همچنین روش میدانی (پیمایش با جامعه آماری شهروندان ۱۵ تا ۶۴ سال شهر اردبیل) که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ (۵۲۹۳۷۴ نفر) بودند و ۳۷۶ نفر به نمونه به شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده از طریق فرمول کوکران در چهار منطقه شهرداری اردبیل انتخاب شدند،

بهره گرفته شده است. از نرم‌افزار MICMAC، جهت شناسایی عوامل کلیدی تحقیق استفاده شده است. تحلیل میک مک MICMAC، برای انجام تحلیل ساختاری در مطالعات آینده‌پژوهی استفاده می‌شود. برای شناسایی مؤلفه‌های کلیدی برای استخراج سناریوهای سازگار از روش تحلیل میک مک استفاده می‌شود. از فرآیندهای مهم در سناریو نویسی در آینده پژوهشی، شناسایی مؤلفه‌های کلیدی تأثیرگذار بر آینده است. آینده پژوهی از انواع آینده‌ها صحبت می‌کند. آینده‌های چندگانه یا آینده‌های جایگزین از مهم‌ترین مزیت‌های آینده‌نگاری نوین است. در این رویکرد، پیش‌بینی خوب، پیش‌بینی‌ای است که روندها و مسائل در حال وقوع و وقایع بالقوه را شناسایی و معرفی می‌کند، تا آمادگی لازم برای سناریوهای مختلف را فراهم کند. شناسایی آینده‌های خوب، مستلزم، شناسایی دقیق مؤلفه‌های کلیدی است.

یافته‌های تحقیق

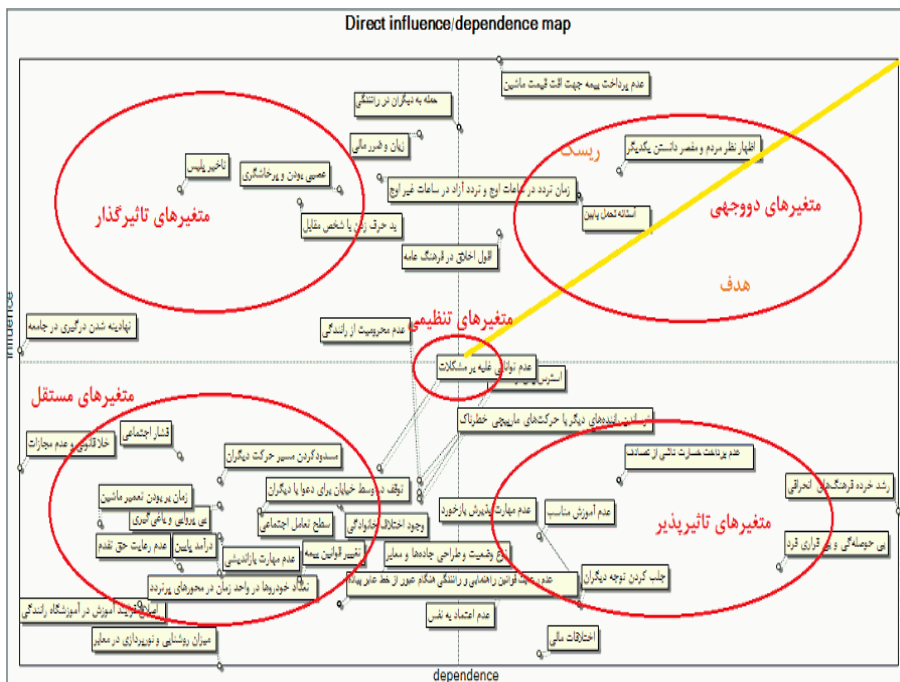
در ماتریس تحلیل ساختاری برای تأثیرگذاری مستقیم، جمع اعداد سطرهای هر متغیر، بیانگر میزان تأثیرگذاری است و جمع ستون‌های هر متغیر، میزان تأثیرپذیری آن متغیر می‌باشد؛ نتایج حاصل از جدول یک نشان می‌دهد که مؤلفه‌های از قبیل نهادینه شدن درگیری در جامعه با میزان ۰/۸۷ درصد، آستانه تحمل پایین شهروندان با میزان ۰/۸۵ درصد، بدحرف زدن با شخص مقابل با میزان ۰/۸۳ درصد، زیان و ضرر مالی با میزان ۰/۸۰ درصد، بیشترین تأثیرگذاری را بر خشونت کلامی داشته‌اند (جدول ۱).

جدول شماره یک - تأثیرات مستقیم متغیرها بر خشونت کلامی در خیابان‌های شهری اردبیل

ردیف	متغیر	میزان تأثیرگذاری	میزان تأثیرپذیری
۱	نهادینه شدن درگیری در جامعه	۸۷	۴۷
۲	استرس پس از تصادف	۳۵	۴۵
۳	آستانه تحمل پایین شهروندان	۸۵	۴۹
۴	بی‌حوصلگی و بی‌قراری فرد	۲۴	۵۴
۵	وجود اختلاف خانوادگی	۳۴	۴۳
۶	بی‌پروایی و یاغی‌گری	۳۴	۴۰
۷	بدحرف زدن با شخص مقابل	۸۳	۴۲

۴۷	۲۰	عدم اعتماد به نفس	۸
۴۹	۲۱	عدم مهارت پذیرش بازخورد	۹
۴۰	۲۹	عدم مهارت بازانديشي	۱۰
۳۵	۵۹	عصبی بودن و پرخاشگری	۱۱
۳۹	۴۲	فشار اجتماعی	۱۲
۴۳	۲۷	سطح تعامل اجتماعی	۱۳
۴۴	۴۰	عدم توانایی غلبه بر مشکلات	۱۴
۴۷	۷۸	افول اخلاق در فرهنگ عامه	۱۵
۵۷	۳۳	رشد خرده فرهنگ‌های انحرافی	۱۶
۴۹	۱۸	جلب کردن توجه دیگران	۱۷
۵۰	۶۸	اظهار نظر مردم و مقصر دانستن یکدیگر	۱۸
۴۱	۳۳	توقف در وسط خیابان برای دعوا با دیگران	۱۹
۴۰	۳۸	مسدود کردن مسیر حرکت دیگران	۲۰
۴۶	۷۶	حمله به دیگران در رانندگی	۲۱
۴۵	۳۸	ترساندن راننده‌های دیگر با حرکت‌های ماریجینی خطرناک	۲۲
۳۹	۲۴	عدم رعایت حق تقدم	۲۳
۴۳	۱۸	عدم رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی هنگام عبور از خط عابر پیاده	۲۴
۳۹	۸۱	تأخیر پلیس	۲۵

۴۸	۲۹	عدم آموزش مناسب	۲۶
۳۵	۴۰	خلأ قانونی و عدم مجازات	۲۷
۴۵	۳۶	عدم محرومیت از رانندگی	۲۸
۳۹	۲۲	اصلاح فرایند آموزش در آموزشگاه رانندگی	۲۹
۴۴	۷۴	زمان تردد در ساعات اوج و تردد آزاد در ساعات غیر اوج	۳۰
۳۸	۱۸	تعداد خودروها در واحد زمان در محورهای پرتردد	۳۱
۴۰	۸	میزان روشنایی و نورپردازی در معايير	۳۲
۴۴	۲۲	نوع وضعیت و طراحی جاده‌ها و معايير	۳۳
۴۲	۲۲	تغییر قوانین بیمه	۳۴
۴۷	۷۴	عدم پرداخت بیمه خسارات	۳۵
۳۷	۳۱	زمان‌بر بودن رسیدگی	۳۶
۴۸	۱۰	اختلافات مالی	۳۷
۴۵	۸۰	زیان و ضرر مالی	۳۸
۴۰	۲۳	درآمد پایین	۳۹
۵۰	۳۸	عدم پرداخت خسارت ناشی از تصادف	۴۰
۱۷۵۱	۱۷۵۱	کل	



نمودار شماره دو- پراکندگی متغیرها بر اساس تأثیرات مستقیم در محور تأثیرگذاری - تأثیرپذیری

صفحه پراکنش متغیرها بر تحلیل خشونت کلامی در فضای شهری اردبیل نشان‌گر آن است که اکثر متغیرها حول محور قطری صفحه، پراکنده شده‌اند و سیستم دارای وضعیت ناپایداری می‌باشد. برای این منظور، ۴ دسته متغیر در این سیستم قابل‌شناسایی است که در ادامه به هرکدام از آنها اشاره شده است:

۱. متغیرهای تأثیرگذار

این متغیرها، متغیرهایی هستند که میزان تأثیرگذاری آنها نسبت به تأثیرپذیری‌شان بسیار بالاتر است؛ بنابراین این متغیرها به عنوان متغیرهای ورودی، بیشترین تأثیرگذاری را در خشونت کلامی در خیابان‌های شهری اردبیل دارند. همچنین با توجه به شناسایی سیستم به عنوان سیستم ناپایدار، این متغیرها در قسمت شمال غربی نمودار قرار دارند که حاکی از تأثیرگذاری کلان آنها بر کل سیستم می‌باشد، این متغیرها عبارت‌اند از:

روانی - شخصیتی: عصبی بودن و پرخاشگری، بدحرف زدن با شخص مقابل.

اجتماعی فرهنگی: نهادینه شدن درگیری در جامعه.

قانونی - آموزشی: تأخیر پلیس.

محیطی: زمان تردد در ساعات اوج و تردد آزاد در ساعات غیر اوج.
اقتصادی و بیمه‌ای: زیان و ضرر مالی.

۲. متغیرهای دو وجهی

متغیرهای دو وجهی، متغیرهای هستند که دارای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بالایی می‌باشد که هر عملی بر روی این متغیرها بر روی سایر متغیرها نیز تأثیر می‌گذارد. متغیرهای دو وجهی، خود نیز به دو دسته متغیرهای ریسک و هدف تقسیم می‌شوند. متغیرهای ریسک، در نمودار ۲ حول و حوش خط قطری ناحیه شمال شرقی قرار دارند و ظرفیت بسیار بالایی برای تبدیل شدن به عوامل کلیدی سیستم را دارند. متغیرهای هدف نیز زیر ناحیه قطری شمال شرقی صفحه قرار دارند. این متغیرها در واقع نتایج تکاملی سیستم می‌باشند و نمایانگر اهداف ممکن در یک سیستم هستند. با دست‌کاری و ایجاد تغییرات در این متغیرها می‌توان به تکامل سیستم مطابق با برنامه و هدف خود دست یافت. متغیرهای دو وجهی در این پژوهش، در بخش ریسک پراکنده شده‌اند و شامل متغیرهای زیر می‌باشند:

روانی - شخصیتی: آستانه تحمل پایین.

اجتماعی فرهنگی: افول اخلاق در فرهنگ عامه، اظهارنظر مردم و مقصر دانستن یکدیگر.

قانونی - آموزشی: حمله به دیگران در رانندگی.

اقتصادی و بیمه‌ای: عدم پرداخت بیمه جهت خسارات

۳. متغیرهای مستقل

این متغیرها دارای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری پائینی هستند و در قسمت جنوب غربی نمودار ۲ قرار دارند و بیشترین گروه از متغیرها در این دسته قرار دارند. به عبارتی از مجموع ۴۰ متغیر، ۱۷ متغیر در این گروه قرار دارند که عمدتاً متغیرهای مربوط به ابعاد قانونی-آموزشی، محیطی و روانی-شخصیتی می‌باشند، این متغیرها شامل موارد زیر می‌باشند:

اجتماعی فرهنگی: فشار اجتماعی، سطح تعامل اجتماعی، عدم توانایی غلبه بر مشکلات.

قانونی - آموزشی: خلأ قانونی و عدم مجازات، عدم رعایت حق تقدم، اصلاح فرایند

آموزش در آموزشگاه رانندگی، مسدود کردن مسیر حرکت دیگران، توقف در وسط خیابان برای دعوا با دیگران، عدم رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی هنگام عبور از خط عابر پیاده، عدم محرومیت از رانندگی، ترساندن راننده‌های دیگر با حرکت‌های مارپیچی خطرناک.

محیطی: تعداد خودروها در واحد زمان در محورهای پرتردد، میزان روشنایی و نورپردازی در معابر، نوع وضعیت و طراحی جاده‌ها و معابر.
اقتصادی و بیمه‌ای: زمان‌بر بودن رسیدگی، درآمد پایین، تغییر قوانین بیمه.

۴. متغیرهای تأثیرپذیر

متغیرهای تأثیرپذیر، متغیرهایی هستند که مهم‌ترین ویژگی آن‌ها، تأثیرگذاری پایین و تأثیرپذیری بسیار بالا می‌باشد و عوامل نتیجه نیز به حساب می‌آیند و در قسمت جنوب شرقی نمودار ۲ قرار دارند، در این دسته از متغیرها، به دلیل ناپایداری سیستم، مجموعه‌ای از تمام متغیرها و ابعاد مختلف جمع شده است؛ این متغیرها به شرح زیر می‌باشند:

روانی - شخصیتی: بی‌حوصلگی و بی‌قراری فرد، عدم اعتمادبه‌نفس، عدم مهارت بازانندیشی
اجتماعی فرهنگی: رشد خرده‌فرهنگ‌های انحرافی، جلب کردن توجه دیگران
قانونی - آموزشی: عدم آموزش مناسب

اقتصادی و بیمه‌ای: اختلافات مالی، عدم پرداخت خسارت ناشی از تصادف

در ادامه، نحوه‌ی اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرها در نرم‌افزار میک مک در ۵ دسته شامل تأثیرات بسیار قوی، قوی، متوسط، ضعیف و خیلی ضعیف به ترتیب با پوشش ۵٪، ۲۵٪، ۵۰٪، ۷۵٪ و ۱۰۰ درصدی قابلیت فکیک می‌باشد. نمودارهای او ۲، نحوه‌ی روابط بین متغیرها و اثرگذاری آن‌ها بر یکدیگر را در قالب خطوط قرمز، آبی و مشکی نشان می‌دهد؛ که خطوط قرمز اثرگذاری بسیار قوی بین متغیرها و خطوط آبی به نسبت ضخامت روابط قوی تا متوسط و خطوط مشکی نیز روابط ضعیف و بسیار ضعیف بین متغیرها را نشان می‌دهد؛ که ۵ دسته مزبور در ذیل به تفکیک آورده شده‌اند.

ارزیابی تأثیرات غیرمستقیم بر وضعیت تأثیرگذاری و تأثیرپذیری

در روابط غیرمستقیم متغیرها توسط نرم‌افزار میک مک، هرکدام از متغیرها به توان‌ها ۲، ۳، ۴، ۵ و ... رسانده می‌شود و بر این اساس اثرات غیرمستقیم سنجیده می‌شود. در ادامه به تأثیرات مستقیم اشاره شده است (جدول شماره‌ی دو).

جدول شماره دو-ارزیابی وضعیت تأثیرگذاری و تأثیرپذیری عوامل بر اساس تأثیرات غیرمستقیم

ردیف	متغیر	میزان تأثیرپذیری	میزان تأثیرگذاری
۱	نهادینه شدن درگیری در جامعه	۱۶۰۴۶۸	۸۳۹۷۸
۲	استرس پس از تصادف	۷۲۰۷۷	۸۶۴۲۹
۳	آستانه تحمل پایین شهروندان	۱۵۶۹۰۶	۹۵۲۹۴
۴	بی‌حوصلگی و بی‌قراری فرد	۴۲۸۸۶	۱۰۴۵۲۰
۵	وجود اختلاف خانوادگی	۶۶۳۰۱	۸۲۰۷۱
۶	بی‌پروایی و یاغی‌گری	۶۴۰۳۲	۷۷۱۱۸
۷	بدحرف زدن یا شخص مقابل	۱۵۲۵۳۶	۸۰۸۶۷
۸	عدم اعتمادبه‌نفس	۴۲۳۴۹	۸۹۷۷۳
۹	عدم مهارت پذیرش بازخورد	۴۵۰۲۷	۹۴۹۴۰
۱۰	عدم مهارت بازاندیشی	۶۵۷۱۳	۷۶۷۲۵
۱۱	عصبی بودن و پرخاشگری	۱۱۷۱۰۸	۶۹۳۴۰
۱۲	فشار اجتماعی	۷۵۶۹۲	۷۵۶۶۱
۱۳	سطح تعامل اجتماعی	۵۳۱۰۹	۸۳۸۱۰
۱۴	عدم توانایی غلبه بر مشکلات	۷۷۴۱۸	۸۲۸۶۰
۱۵	افول اخلاق در فرهنگ عامه	۱۳۹۷۳۱	۸۹۸۱۶
۱۶	رشد خرده‌فرهنگ‌های انحرافی	۶۹۸۸۷	۱۰۹۶۴۸
۱۷	جلب کردن توجه دیگران	۴۵۱۲۳	۹۴۶۹۵
۱۸	اظهار نظر مردم و مقصر دانستن یکدیگر	۱۶۳۳۲۰	۹۵۱۹۰

۷۷۶۸۵	۶۳۸۷۵	توقف در وسط خیابان برای دعوا با دیگران	۱۹
۷۶۵۶۵	۸۰۴۴۱	مسدود کردن مسیر حرکت دیگران	۲۰
۸۸۳۵۶	۱۷۵۱۵۰	حمله به دیگران در رانندگی	۲۱
۸۸۸۳۹	۷۴۴۳۳	ترساندن راننده‌های دیگر با حرکت‌های مارپیچی خطرناک	۲۲
۷۵۱۶۱	۴۸۳۲۰	عدم رعایت حق تقدم	۲۳
۸۴۶۸۸	۴۰۸۴۷	عدم رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی هنگام عبور از خط عابر پیاده	۲۴
۷۷۹۴۳	۱۵۹۴۵۷	تأخیر پلیس	۲۵
۹۴۰۰۶	۵۴۲۷۰	عدم آموزش مناسب	۲۶
۶۸۹۰۶	۸۱۵۹۷	خلاً قانونی و عدم مجازات	۲۷
۸۶۰۹۰	۷۴۵۴۱	عدم محرومیت از رانندگی	۲۸
۷۵۳۰۶	۴۳۰۳۹	اصلاح فرایند آموزش در آموزشگاه رانندگی	۲۹
۸۵۵۱۳	۱۶۸۵۲۹	زمان تردد در ساعات اوج و تردد آزاد در ساعات غیر اوج	۳۰
۷۵۵۱۶	۳۶۹۱۴	تعداد خودروها در واحد زمان در محورهای پرتردد	۳۱
۷۸۳۵۹	۱۷۳۶۶	میزان روشنایی و نورپردازی در معابر	۳۲
۸۶۱۴۹	۴۶۶۲۹	نوع وضعیت و طراحی جاده‌ها و معابر	۳۳
۸۲۵۰۲	۴۶۳۰۶	تغییر قوانین بیمه	۳۴
۹۱۳۳۶	۱۹۸۹۲۰	عدم پرداخت بیمه جهت خسارات	۳۵

اوج (A30) مربوط به بعد محیطی می‌باشند؛ بنابراین بیشترین عوامل کلیدی در سه بعد روانی-شخصیتی، اجتماعی- فرهنگی جای گرفته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

دغدغه‌های جهانی با شهرنشینی سریع و نامنظم و خشونت‌های طولانی شهری در حال افزایش است. برخی از تحلیلگران معتقدند مناطق شهری به سرعت در حال تبدیل شدن به مناطق جدیدی برای جنگ و خشونت است. خشونت که یکی از عوارض و تظاهرات حالت خشم است، پیامد پایین آمدن آستانه تحمل است و در حالت افراطی، امکان تبدیل به جرم را دارد، دقت نظر در آمار و ارقام ارایه شده معتبر در سال‌های اخیر، افزایش چشمگیر آن را نشان می‌دهد. بنابراین لازم است، عوامل مؤثر بر نوسان کاهشی آستانه تحمل افراد و دلایل موجب تولید خشونت، مورد بررسی و تحلیل کارشناسی قرار گیرد. نظریه‌پردازان جامعه‌شناس و روانشناس عوامل خانواده و اجتماع را عمده‌ترین دلایل مؤثر، بر مستعد کردن فضا جهت وقوع خشونت که پیامد پایین آمدن آستانه تحمل است، می‌دانند. با وقوع خشونت، ارتکاب جرایم آنی نیز در بسیاری موارد اتفاق می‌افتد. اینکه عوامل تاثیرگذار چگونه و در چه شرایطی باعث پایین آمدن آستانه تحمل افراد می‌شود و باعث ایجاد خشونت می‌شوند.

نتایج این تحقیق نشان داد که نهادینه شدن درگیری در جامعه، آستانه تحمل پایین شهروندان، بدحرف زدن با شخص مقابل، زیان و ضرر مالی، بیشترین تأثیرگذاری را بر خشونت کلامی در شهر اردبیل داشته است. در عین حال خشونت کلامی در خیابان‌های شهری اردبیل در سه بعد روانی-شخصیتی، اجتماعی- فرهنگی جای گرفته‌اند. باید در نظر داشت رشد و افزایش این مؤلفه‌ها و تأثیر آن بر خلق خشونت علاوه بر آثار جبران ناپذیر آن، فرهنگ و زیست تاریخی جامعه ایران را نیز به مخاطره و چالش می‌کشد. نکته مهم‌تر آنکه خشونت، خصلتی تزییدی دارد؛ به تعبیر بهتر خشونت، خشونت می‌آفریند. باید در نظر داشت شهر اردبیل به دلیل مهاجرپذیری از نقاط روستایی و عشایری استان، به شهری با تنوع و تکثر فرهنگی تبدیل شده است. تضارب فرهنگی و تعصبات قومی و قبیله‌ای، سبب شده در تعاملات اجتماعی شهروندان فهم متقابل، تعلق خاطر به زندگی جمعی در شهر، احترام به حقوق شهروندی، احساس مسئولیت در سرنوشت جمعی، احترام به قانون و اصول اخلاقی کمتر مورد توجه قرار گیرد تا موجب بروز کشاکش منافع و به دنبال آن پدیده خشونت کلامی در سطح شهر بشود.

نتایج تحقیق در ارتباط نظری با دیدگاه‌ها و نظریات مطرح شده، گویای پیوند منطقی بین سطح نظری تحقیق و سطح تجربی آن است. نظریات بی‌سازمانی اجتماعی شاو و مک کی، بر عوامل مؤثر بر خشونت خیابانی تأکید کرده‌اند. به طور کلی اساس این نظریه‌ها بر آن است که برخی اجتماعات به خاطر اختلال در فرآیندهای رسمی و غیر رسمی کنترل اجتماعی، قادر به خود تنظیمی مؤثر نیستند. این شرایط منجر به مختل شدن ساختار سازمانی محله می‌شود و سست شدن پیوندهای ساکنان نسبت به یکدیگر و نسبت به اجتماع را به دنبال خواهد داشت. در نتیجه برخی از ساکنان به طور طولانی مدت از کنترل‌های اجتماعی هنجاری پیروی نخواهند کرد؛ زیرا این اجتماعات بی‌سامان قادر به درک ارزش‌های مشترک ساکنان و حل مسائل مختلف نیستند. به این دلیل که آنها نمی‌توانند وفاق مربوط به ارزش‌ها، هنجارها، نقش‌ها و یا توافقات سلسله مراتبی را در میان اعضای‌شان ایجاد یا حفظ کنند. با توجه به رابطه مستقیم افول اخلاق در فرهنگ عامه و عدم رعایت اصول اخلاقی در روابط سیاسی بین مسئولان با گرایش شهروندان به خشونت کلامی؛ نتایج پژوهش حاضر با دیدگاه بی‌سازمانی اجتماعی شاو و مک کی هم‌سو می‌باشد، به طوری که طبق نظریه بی‌سازمانی اجتماعی شاو و مک کی، وجود تضاد فرهنگی و زوال وضعیت سازمان‌های اجتماعی یکی از مهم‌ترین علت جنایت است.

بنابراین، به نظر می‌رسد که با تأکید بر این عوامل کلیدی، می‌توان در جهت کاهش خشونت کلامی در خیابان‌های شهری اردبیل و دیگر شهرهای مشابه، اقدامات مناسبی انجام داد. به عنوان مثال، با افزایش آگاهی مردم در مورد اهمیت پرداخت بیمه و عواقب نداشتن بیمه، می‌توان به کاهش عدم پرداخت بیمه خسارات کمک کرد. همچنین، با ارائه آموزش‌های لازم به رانندگان، می‌توان به کاهش حمله به دیگران در رانندگی و بدحرف زدن با شخص مقابل کمک کرد. علاوه بر این، با تدابیر مناسب می‌توان زمان تردد در ساعات اوج و تردد آزاد در ساعات غیر اوج را مدیریت کرد و از تأخیر پلیس کاست. معمولاً، برای کاهش خشونت کلامی در خیابان‌های شهری اردبیل، نیاز است تا اقدامات گسترده‌تری انجام شود. برای مثال، می‌توان برنامه‌های آموزشی و آگاهی‌بخشی برای افزایش آگاهی مردم در مورد رعایت قوانین رانندگی، اهمیت ایمنی و عواقب نداشتن آن‌ها، اصول رانندگی دفاعی و انتخاب روش‌های مناسب برای حل تعارضات اجتماعی ارائه داد. با توجه به ارتباط بین عدم اجرای درست قانون از سوی متولیان امر و گرایش به خشونت خیابانی، پیشنهاد می‌شود؛ تقویت عملکرد موفق پلیس و اجرای صحیح قوانین می‌تواند این اطمینان را ایجاد کند که قانون و مجریان آن کارایی لازم را دارند و نیازی به حل مسائل و مشکلات از راه‌های عرفی غیر قانونی نیست.

منابع

۱. احمدی، محمد و علیرضا کلدی (۱۳۹۱) «بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر سنندج و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، زن و جامعه، ۳(۱۲): ۱-۲۰.
۲. ارشد، لیلی و علی اصغر درویشی فرد (۱۳۹۳) «بی‌سازمانی اجتماعی و امکان شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی (مطالعه موردی محله هرندی)»، پژوهش‌های مددکاری اجتماعی، ۱(۳): ۱۰۳-۱۳۵.
۳. جوانمرد، بهروز (۱۳۹۰) «نظریه‌های بی‌سامانی اجتماعی، بی‌هنجاری و فشار»، تعالی حقوق، ۳(۱۲): ۱۰۵-۱۴۷.
۴. حمادی، ناصر (۱۴۰۱) «بررسی علل خشونت کلامی مراجعه‌کنندگان نسبت به کادر درمانی بیمارستان‌های دولتی شهرستان پارس‌آباد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، دانشکده پزشکی.
۵. دوچ، مورتون و رابرت کراوس (۱۳۹۵) نظریه‌ها در روانشناسی اجتماعی، تهران: دانشگاه تهران.
۶. رضاپور، داریوش (۱۳۹۵) «بررسی زمینه‌های اجتماعی مؤثر بر گرایش به خشونت کلامی در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر بوشهر»، توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۱، شماره ۲: ۱۲۳-۱۴۸.
۷. سیدنواز، سید جواد؛ عزیزخانی، اقباله و صمد عابدینی (۱۴۰۰) «تجلیل پدیدارشناسانه خشونت شهری در شهر اردبیل»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۱۱(۴۱): ۱۲۹-۱۵۸.
۸. غلامشاهی زارچوئی، محمد (۱۳۹۸) «بررسی جرم‌شناختی خشونت‌های کلامی (مطالعه موردی شهر کرمان)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق و جزا شناسی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
۹. کریمی، فاطمه (۱۳۹۰) «بررسی انواع خشونت کلامی و عوامل پدیدآورنده آن از نظر دانش‌آموزان و معلمان» پژوهش‌نامه حقوقی، ۲(۲): ۸۵-۱۰۲.
۱۰. کیانی فرد، جمشید (۱۳۹۶) «بررسی عوامل بروز پدیده خشونت کلامی و رابطه آن با احساس امنیت اجتماعی در استان گیلان (مطالعه موردی شهر بندر انزلی: در بین شهروندان ۵۱ تا ۵۱ سال)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه حقوق، دانشگاه گیلان.

۱۱. گنجی، محمد؛ نیازی، محسن و مهدی پورغلامحسین (۱۳۹۵) «نقش عوامل اجتماعی فرهنگی در گرایش شهروندان بروجردی به خشونت خیابانی»، *مطالعات امنیت اجتماعی*، شماره ۴۸: ۱-۲۴.

۱۲. محمدی، جمال و علی کشکولی باقری (۱۳۹۳) «تحلیل تطبیقی رابطه بین فقر و خشونت شهری با استفاده مدل ویکور (شهر یزد)»، *مطالعات نواحی شهری*، ۱(۱): ۱۲۷-۱۵۲.

۱۳. محمدی اصل، عباس (۱۳۸۵) *بزهکاری نوجوانان و نظریه‌های انحراف اجتماعی*، تهران: علم.

۱۴. محسنی، رضاعلی؛ معین‌فر، سجاد؛ معین‌فر، علی و پرویز علیزاده (۱۳۹۶) «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت خیابانی (مطالعه موردی: شهر ارومیه)»، *مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، ۶(۲): ۷۵-۱۰۱.

۱۵. نوربالا، احمدعلی (۱۴۰۲) *خشونت کلامی*، تهران: تیمورزاده.

۱۶. ویسی، ناصر و علی عبدی (۱۴۰۰) «مطالعه و واکاوی عوامل مؤثر بر نزاع و درگیری پس از تصادفات رانندگی در شهر کرمانشاه»، *انتظام اجتماعی*، ۱۳(۲): ۲۱۷-۲۴۴.

17. Abdel Rahman, Hasan Khaled :Peter Mygind Leth (2023) «Christian Faergemann Significantly reduced rates of interpersonal violence in an urban Danish population 2003–2021», *Journal of Forensic and Legal Medicine*, Volume 97: 102558.

18. Akers, R. L. (2013) **Criminological theories: Introduction and evaluation**. UK: Routledge.

19. Chung, H. L., & Steinberg, L. (2006) «Relations between neighborhood factors, parenting behaviors, peer deviance, and delinquency among serious juvenile offenders». **Developmental psychology**, 42(2): 319.

20. Elfversson, Emma, Kristine Högl und (2023) «Urban growth, resilience, and violence», **Current Opinion in Environmental Sustainability**, Volume 64: 101356.

21. Hoffman, K. (2000) «Criminological theories: Introduction, evaluation and application». **Teaching Sociology**, 28(4), 403

22. Kim, K., & Yamashita, E. (2002) «Motor vehicle crashes and land use: empirical analysis from Hawaii», **Transportation research record**, 1784 (1): 79-73.

23. Kotsialos, A., & Papageorgiou, M. (2004) «Motorway network traffic control systems». **European Journal of Operational Research**, 152(2), 321-333.

24.Lee, M. Y., & Park, B. H. (2016) «Traffic Accident Model of Roundabout based on Type of Land Use». **International Journal of Highway Engineering**, 18(6), 153-160.

25.Loeber, R., & Wikstrom, P. H. (1993) «Individual pathways to crime in different types of neighborhoods». **Integrating individual and ecological aspects of crime**, 169-204.

26.Simmons, Sydney; Julia M. Augenstern, Patrick H. Tolan (2022) «Urban Youth Violence», **Encyclopedia of Violence, Peace, & Conflict** (Third Edition), Volume 2 :83-9.

27.Silver, E., & Miller, L. L. (2004) «Sources of informal social control in Chicago neighborhoods», **Criminology**, 42(3), 551-584.

28. Richtel, M. A. T. T. (2016) **It's no accident: advocates want to speak of car 'crashes' instead**. The New York Times.

29.Rodgers, D. (2016) «Critique of Urban Violence: Bismarckian Transformations in Managua, Nicaragua», **Theory, Culture & Society**, 33 (7–8):85–109. doi:10.1177/0263276416636202.

30.Tutenges, Sébastien; Sveinung Sandber (2024) «Varieties of Violence in Street Culture», **Deviant Behavior**, Volume 45: 179-191.